

هجابندی خوشه‌های همخوان نهائی: مشکل تلفظی برجسته کردزبانان در تلفظ زبان انگلیسی

محمد حسین کشاورز

دانشگاه آمریکایی کیرنه، قبرس شمالی

در حالی که تحقیقات فراوانی در زمینه مشکلات فراگیری زبان انگلیسی با زبان‌های مادری مختلف انجام گرفته است مطالعات تجربی در مورد خطاهای تلفظی دانش‌آموزان یا دانشجویان کردزبان عراقی نادر است. لذا برای جبران این کمبود هدف پژوهش حاضر بررسی مشکلات این زبان‌آموزان در تلفظ خوشه‌های همخوان زبان انگلیسی است. داده‌های این پژوهش از طریق شاهد خطاهای آوایی و آزمون تلفظ گردآوری شده است. نخست خطاهای فراگیران در تلفظ خوشه‌های همخوان در بیان شفاهی آنها در کلاس‌های درس نگارنده در یکی از دانشگاه‌های قبرس شمالی گردآوری و ثبت شد. سپس ۱۸ دانشجوی کرد عراقی داوطلب شرکت در یک آزمون تلفظ زبان انگلیسی شدند که شامل یک بند، فهرستی از واژه‌های انگلیسی و جملاتی که در برگزیده خوشه‌های مشکل زبان انگلیسی بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها تفاوت‌هایی در تلفظ خوشه‌های مورد نظر نشان داد. بدین معنی که شرکت‌کنندگان در این پژوهش در حالی که مشکلی در تلفظ خوشه‌های ابتدایی نداشتند اکثر آنها یک حرف صدادار را به عنوان یک راهبرد یادگیری قبل از خوشه نهائی اضافه کردند. این پدیده می‌تواند ناشی از نفوذ زبان مادری باشد چرا که در ساخت هجایی زبان کردی خوشه‌های همخوان مورد پژوهش در آخر واژه‌ها واقع نمی‌شوند- ضمناً عوامل دیگری همچون نقش تلفظ معلمان زبان و تاثیر آن در تلفظ دانش‌آموزان، نداشتن تجربه و تمرین کافی در شنیدن تلفظ صحیح انگلیسی ممکن است در شکل‌گیری این مشکل نقش داشته باشد. همچنین چون همه شرکت‌کنندگان در این پژوهش بزرگسال بودند امکان دارد این پدیده در تلفظ آنها مشکل دائمی به خود گرفته باشد. بنابراین از لحاظ آموزش پیشنهاد می‌شود که مشکلات تلفظی فراگیران خارجی زبان انگلیسی در مراحل ابتدایی برطرف شود تا به صورت یک پدیده دائمی تبدیل نشود.

آغازگری در کتاب‌های رشته زبانشناسی کاربردی: مطالعه تطبیقی مقدمه، پیش‌گفتار و سرآغاز

علیرضا جلیلی فر

ابتسام عباسی منتظری

دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

در طول چند دهه اخیر، بررسی و شناخت ساختارهای ژانری مقدمه در انواع متون علمی هدف مطالعات زیادی بوده است. با این وجود بنظرمی‌رسد که بررسی برخی از ساختارهای زبانی (نمودهای دستوری و واژگانی) که می‌تواند نشانگر ساختارهای ژانری شناخته شده در مقدمه متون علمی باشد، بطور قابل توجهی مورد اهمال قرار گرفته است. بنابراین به منظور بررسی این مسئله که

اهداف نهفته در یک مقدمه علمی چگونه در ساختارهای زبانی نمود پیدا میکنند، تحقیق حاضر به بررسی دو فرایند الگوی ساختاری آغازگری و الگوی توالی آغازگری در سه نوع مقدمه در کتاب های دانشگاهی پرداخت. بدین منظور، سه نوع مقدمه (۲۰ نمونه سرآغاز، ۲۰ نمونه مقدمه، و ۲۰ نمونه پیش گفتار) در صفحات آغازین ۶۰ کتاب دانشگاهی در حوزه زبانشناسی کاربردی با استفاده از مدل آغازگری ارایه شده توسط هالییدی (۱۹۹۴) و الگوی توالی آغازگری توسط مکیب (۱۹۹۹) مورد بررسی کمی قرار گرفتند. همچنین به منظور بررسی این مسئله که آیا نویسندگان متون علمی تمایل به ترویج آثار خود به صورت آشکار (با برجسته کردن ساختارهای زبانی ترویجی) و یا نهفته (با کوچک نمایی ساختارهای زبانی ترویجی) دارند، داده های مطالعه حاضر از لحاظ کیفی نیز بررسی شدند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که در هر سه ژانر بررسی شده، الگوی آغازگری ساده، متنی، بی نشان و الگوی توالی آغازگری از نوع ساده و خطی از اولویت بیشتری برخوردار بودند. همچنین بجز الگوی آغازگری بین فردی و الگوی توالی آغازگری از نوع ریم دو بخشی، مقدمه های مورد بررسی بطور قابل توجهی از جهت انواع دیگر الگوهای انتخاب شده متفاوت بودند. همچنین، بررسی کیفی داده ها نشانگر این مسئله بود که در اکثر موارد نویسندگان تمایل به ترویج کار خود به صورت نهفته داشتند. این تفاوتها را میتوان نشأت گرفته از ماهیت ژانر مورد مطالعه و همچنین اهداف نهفته در آن دانست. از آنجاییکه در فرایند نوشتن یک مقدمه علمی نویسنده بدنبال دستیابی به اهداف ویژه ای میباشد، یافته های حاصل از مطالعه حاضر بر ضرورت توجه به اهمیت نقش دو فرایند الگوی ساختاری و الگوی توالی آغازگری در دستیابی به اهداف مورد نظر نویسنده تأکید دارد. نتایج بدست آمده از این مطالعه میتواند برای نویسندگان مقدمه های متون علمی بطور عام و به ویژه برای نویسندگان مقدمه های کتاب های دانشگاهی مفید واقع شود.

ابزار اندازه گیری کیفیت گفتار معلمان زبان انگلیسی بر اساس عملکردهای اصلی

رضا خانی

بهاره مالمیر

دانشگاه ایلام، ایران

گفتار معلم در آموزش زبان انگلیسی از اهمیت قابل توجه ای برخوردار است و تلاش هایی نیز در جهت ارزیابی آن انجام گرفته است. اگرچه ابزار های موجود تنها چهار چوب های کلی هستند و تمرکز خاصی روی گفتار معلم و عملکرد های اصلی آن در محیط های آموزش زبان انگلیسی ندارند. مطالعه حاضر توضیحی جامع از گفتار معلم در محیط های آموزش زبان انگلیسی را ارائه میکند و هدف آن تهیه و اعتبار سنجی ابزاری برای ارزیابی گفتار معلم در محیط های آموزش زبان انگلیسی است. به این منظور با استفاده از مطالعه گسترده ادبیات موجود و مربوط به این موضوع و درک محققان این تحقیق از عملکردهای گفتار معلم در محیط های آموزش و یادگیری زبان انگلیسی اچهارچوبی برای یک مدل تئوری به منظور بررسی گفتار معلم به وجود آورده شد. سپس از طریق مشاهده گفتار معلمان انگلیسی و همچنین مصاحبه با معلمان انگلیسی و اساتید تربیت معلم در رشته زبان انگلیسی

مدل تئوری پیشنهاد داده شده بازنگری و ویرایش یافت. سرانجام بر اساس آن ابزاری برای اندازه گیری کیفیت گفتار معلم در محیط های آموزش زبان انگلیسی به وجود آمد. امیدواریم که نتایج حاصل از تحقیق کنونی باعث فهم بهتری از عملکرد های اصلی گفتار معلمان انگلیسی شود و ابزار ارزیابی موثری را برای بازنگری و بررسی گفتار معلم و همچنین فراهم کردن بازخورد موثر برای معلمان زبان انگلیسی فراهم کند.

کلام خود محور در تعاملات معلم – فراگیر در بستر انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی: رویکردی

اجتماعی – فرهنگی

نوذر قیصری

دانشگاه آزاد اسلامی – واحد کرمانشاه، ایران

مطالعه حاضر که از حیث نظری در چهارچوب نظریه اجتماعی-فرهنگی ویگوتسکی قرار دارد، به بررسی بیرونی شدن کلام خود محور توسط فراگیران مونث سطح مقدماتی در تعاملات معلم- فراگیر می پردازد. بدین منظور، یک کلاس متشکل از ۱۲ فراگیر خانم سطح مقدماتی و معلم همجنس خودشان بعنوان شرکت کنندگان در مطالعه انتخاب شدند. در ارتباط با داده ها، شش فعالیت درک مطلب سی دقیقه ای با تناوب دو هفته یکبار ضبط شدند. در طول عمل ضبط کردن، هر شرکت کننده مجهز به یک ام پی تری پلایر حساس بود تا کلام های خود محور خیلی ضعیف هم مورد پیگیری قرار گیرند. موارد بروندادی کلام خود محور کدگذاری شدند و گزارشی از شکل و محتوای الگوهای کلام خود محور فراهم شد. در حالی که تعداد زیادی از نمونه های ترجمه تحت اللفظی، موارد فرازبانی و و تغییر به زبان اول (زبان مادری) در اواسط گفته گزارش شد، از لحاظ مقایسه ای تعدادی نمونه های کلام خود محور مانند سوالات خطاب به خود، بلند خوانی، مرور کردن و خود توضیحات به زبان دوم کمتر بودند که می تواند به دلیل سطح توانش پایین فراگیران باشد. یافته های مطالعه، علاوه بر برجسته سازی اهمیت توجه به کلام خود محور به عنوان ابزار میانجی گری در تنظیم شناختی فراگیران در هنگام انجام فعالیت ها به زبان دوم، بیانگر این است که نوع تمرین معلم در کلاس در تولید کلام خود محور مؤثر است. از لحاظ آموزشی، نتایج مطالعه بیانگر این است که به جای نگاه به نمونه های کلام خود محور به زبان اول به عنوان موارد آسیب رسان در یادگیری زبان دوم، می توان آنها را نشانه های کنترل شناختی در هنگام مواجهه با فعالیت های چالشی دانست.

تحلیل میکروژنتیکی رفتارهای پشتیبانی تعاملی افراد هم سطح ظاهر شده در ویرایش یک نوشته

ناصر رنجبر

دانشگاه بوعلی سینا، ایران

بهزاد قنسولی

دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

نوشته های ویگوتسکی در زمینه ی نظریه ی روانشناسی اجتماعی- فرهنگی (SCT)، مفهوم منطقه ی مجاور رشد (ZPD) و دیگر مفهوم مرتبط با آن یعنی پشتیبانی، به عنوان مبنای نظری مطالعات همکاری افراد هم سطح استفاده می شوند. این مقاله با هدف بررسی اثرات پشتیبانی تعاملی یک فرد هم سطح بر توانایی نگارش در زبان انگلیسی به عنوان زبان بیگانه انجام گردید تا بتواند درک بهتری از چگونگی ایجاد تکنیک های ویرایشی و گسترش آنها در زمانی که دو یادگیرنده در منطقه ی مجاور رشد خود کار می کنند، داشته باشد. دو فراگیر زبان انگلیسی با سطح زبانی متوسط (یک "خواننده" و یک "نویسنده") با همکاری یکدیگر متن نوشته شده توسط یکی از آنها در زمینه علت و معلول را ویرایش کردند. رویکرد میکروژنتیک (Microgenetic) برای بررسی و تجزیه و تحلیل تعاملات استفاده شد. نتایج نشان داد که اگرچه در ابتدا نقش خواننده به عنوان واسطه مهم تر بود، در پایان فعالیت خواننده و نویسنده در اصلاح متن به گونه ای بود که پشتیبانی به طور متقابل بین آنها انتقال می یافت. یافته ها همچنین نشان داد که پشتیبانی تعاملی علاوه بر یک سویه بودن، می تواند دوسویه نیز باشد. به علاوه ذکر گردید که معلمان می توانند کیفیت فرآیند نوشتن را با کمک به دانش آموزان برای همکاری و مشارکت با یکدیگر و با در نظر گرفتن تلاش های مشترک در نگارش ارتقاء بخشند. با این روش دانش آموزان نیز می توانند بیشتر مشارکت داشته باشند، استراتژی های ارزیابی توسط بازخورد را یاد بگیرند و از افراد واسطه در یادگیری بهره مند شوند.

دانش تدریس مدرسان دوره های تربیت معلم زبان خارجی: سنجش پایایی مدلی پیشنهادی

شهاب مرادخانی

دانشگاه رازی، ایران

در مطالعه ی حاضر، دو هدف اصلی پیگیری شد: مشخص نمودن اجزای تشکیل دهنده ی دانش تدریس مدرسان دوره های تربیت معلم زبانهای خارجی و بررسی تفاوت بین دیدگاه های معلمان، مدرسان تربیت معلم و اساتید دانشگاه در مورد هر یک از این اجزا. داده های مورد نظر توسط پرسشنامه از ۴۳۶ پاسخگو گردآوری شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که دانش تدریس مدرسان دوره های تربیت معلم زبانهای خارجی از ۱۱ جزء اصلی تشکیل شده که شامل موارد زیر است: تربیت معلم، نظریه های آموزش زبان، علوم

مرتبط با آموزش زبان، فن آوری، محیط آموزشی، پژوهش، روابط اجتماعی، مسائل زبانی، تعمق معلمان و مسائل سیاسی-اجتماعی. به علاوه، نتایج به دست آمده از آنالیز واریانس یک طرفه حاکی از این بود که تفاوت معناداری بین سه گروه پاسخگو در پنج جزء وجود داشت. در این پنج جزء، نمره‌ی به دست آمده از معلمان کمتر از نمره‌ی مدرسان تربیت معلم و اساتید دانشگاهی بود. در قسمت پایانی این مقاله، با استفاده از مدل پیشنهادی اولیه و ادبیات موضوع، اجزای تشکیل دهنده‌ی دانش تدریس مدرسان دوره‌های تربیت معلم زبان خارجی مورد بحث قرار خواهد گرفت. همچنین شرح وظایف هر یک از سه گروه مذکور به عنوان عامل اصلی در تفاوت دیدگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این پرسشنامه‌ی یازده عاملی می‌توان برای سنجش دانش تدریس مدرسان دوره‌های تربیت معلم زبانهای خارجی استفاده نمود. تفاوت بین دیدگاه‌های سه گروه دست‌اندرکار آموزش زبان نیز نشان می‌دهد که دوره‌های تربیت معلم گفتگو محور از اهمیت فراوانی برخوردار هستند.

"شنیدن، انجام دادن، تکرار کردن، درک کردن، و به یاد آوردن،": آموزش انگلیسی به خردسالان

در آسه

قسمت‌الله یوسف

دانشگاه سیاه کوالا، اندونزی

عبدل قانع آسیک

دانشگاه سرامبی مگا، اندونزی

یونیسرینا قسم‌الله یوسف

دانشگاه سیاه کوالا، اندونزی

لطیف‌الدینی رسی

دارالسلام سکولا تینگی علم و تربیت، اندونزی

پژوهش کیفی حاضر به بررسی روش‌های آموزش واژگان انگلیسی به خردسالان (نوپایان) در یک مدرسه دوزبانه در باندا آسه، اندونزی پرداخته است. به آن صورت، مطالعه‌ای در مورد آموزش انگلیسی به نوپایان در بافت زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجه به چاپ نرسیده است، بنابراین پژوهش حاضر مهم می‌باشد چرا که نتایج می‌تواند به عنوان ورودی بیشتر به معلمان زبان دومی باشد که به خردسالان تدریس می‌کنند، زیرا با درک آنان از شرایط فراگیران، معلمان می‌توانند به آنها کمک کنند تا به نهایت توانایی خود به عنوان زبان‌آموز دست یابند. برگه مشاهده و یک مجموعه سوالات مصاحبه برای جمع آوری داده از یک معلم به

کار گرفته شد. تنها یک معلم شرکت نمود چرا که مدرسه مورد پژوهش تا کنون تنها مدرسه سطح شهر است که محیط یادگیری انگلیسی برای کودکان به خردسالی نوپایان را فراهم آورده است. کلاس سه جلسه مشاهده شد. نتایج نشان داد که از میان چهار روش تدریس، پاسخ فیزیکی کامل بیشترین کاربرد را داشت بعد از آن روش طبیعی، آموزش زبان به شیوه ارتباطی، و تلقین پذیری از کم کاربردترین بودند. علاوه بر آن، بر اساس مصاحبه‌ای که با معلم صورت گرفت مشخص شد که پاسخ فیزیکی کامل و روش طبیعی برای آموزش واژگان انگلیسی به نوپایان مناسب تر می‌باشد. از طریق پاسخ فیزیکی کامل نوپایان درک خود را از دستورات با جواب‌های ساده و ژست نشان می‌دادند. در روش طبیعی آنها در یک محیط طبیعی قرار داشتند و برای صحبت کردن برانگیخته نمی‌شدند تا اینکه خود احساس کنند آماده این کار هستند. به علاوه معلم از هیچ کتاب خاصی استفاده نمی‌کرد زیرا موسیقی، تصویر، و مطالب واقعی در حمایت فعالیت‌های کلاس نقش بسزایی داشتند.